

برای مقابله با اعتیاد در فصل پیش رو چه کنیم؟

باید دستور آماده‌باش داد/ با ظهور طالبان منتظر سونامی خطرناکی از مواد مخدر باشیم

«پیشتر به روش سنتی سالی یکبار کوکنار کشت می‌شد که ۱۲۰ تا ۱۶۰ روز زمان لازم داشت، ولی امروزه بذر تراریخته این زمان را به ۷۰ روز رسانده و با بهبود فن‌آوری‌های آبیاری، در سال سه الی چهار بار کشت و برداشت ممکن شده است.»



اختصاصی ادنا: هفته پیش پلیس مبارزه با مواد مخدر از افزایش ۳۰ درصدی کشف شیشه نسبت به سال گذشته خبر داد. پیش از این با تغییر مناسبات سیاسی در افغانستان بسیاری از کارشناسان پیشبینی می‌کردند که قیمت تریاک افزایش یابد و همین موضوع منجر به افزایش مصرف مواد مخدر صنعتی بشود. دکتر امید مساح، پزشک و درمانگر اعتیاد در گفت و گوی زیر بعد از گذشت بیش از ۱۰۰ روز از سقوط کابل، ارزیابی مجددی روی وعده طالبان برای توقف کشت خشخاش داشته و درباره اتفاق‌های احتمالی ماه‌های آینده در حوزه اعتیاد این پیش‌بینی را می‌کند: «در آینده‌ای نه‌چندان دور با احتمال افزایش قاچاق هروئین روبرو خواهیم بود و قیمت تریاک در ایران بسیار افزایش خواهد یافت. در نتیجه شاهد افزایش شدید و سریع افزودنی‌هایی از جمله سرب خواهیم شد. خرده‌فروشان به این کار رو خواهند آورد که شربت تریاک را تغلیظ کنند و از آن شیرهدی تریاک به دست بیاورند. بنابراین این موضوع منجر به افزایش بازار قاچاق اوپیوم یعنی شربت تریاک در سطح متوسط و کلان می‌شود. بازار سایر داروهای آگونیست از جمله متادون و بوپرنورفین نیز در شبکه‌ی غیرقانونی رونق پیدا می‌کند و افزایش قیمتی خواهند داشت که تبعات خاص خودش را دارد.»

اخبار منتشر شده اخیر حاکی از افزایش تولید تریاک در افغانستان است و این با ادعایی که چند ماه پیش مبنی بر توقف کشت خشخاش از سوی طالبان طرح شد منافات دارد. نظر شما در این باره چیست؟

به نظر من هیچ جای تعجبی ندارد. مناسبات و قوانین حاکم بر عرصه مواد مخدر تا حد زیادی با الکلنگ قیمت و عرضه و تقاضا متفاوت است و در صورت مدیریت یکپارچه و همسو می‌تواند هر دو طرف الکلنگ را بالا ببرد. چون شرایط تولید و بازار انحصاری بر آن حاکم است و رقابت آزاد معنا ندارد. هر چیز انحصاری به مذاق خواص و به فئای عوام و خوش‌بینانه محتوم به شکست است. پیش از به روی کار آمدن طالبان و در طول یک دهه قیمت تریاک سر زمین دچار کاهش شد، به‌نحوی که سال

۲۰۲۰ به کمترین قیمت از سال ۲۰۰۹ رسید. این کاهش قیمت دلایل مختلف داشت، از جمله: انهدام چندین لابراتوار تولید هروئین توسط نیروهای آمریکایی، چندگانگی و هرج و مرج در بخش‌های مختلف افغانستان که به بی‌قانونی این بازار دامن می‌زد و همچنین رشد پرسرعت میزان تولید که هم از افزایش زمین‌های زیر کشت و هم ارتقاء روش‌های کشت ناشی می‌شد. بیشتر به روش سنتی سالی یکبار کوکنار کشت می‌شد که ۱۲۰ تا ۱۶۰ روز زمان لازم داشت، ولی امروزه بذر تراریخته این زمان را به ۷۰ روز رسانده و با بهبود فن‌آوری‌های آبیاری، در سال سه الی چهار بار کشت و برداشت به همان حجم و کیفیت ممکن شده است. تغییرات کمی و کیفی گسترده‌ای که طی دو دهه اخیر در کشت خشخاش در افغانستان رخ داده و برنامه‌ریزی‌هایی که کشاورزان برای استفاده بهینه از زمین‌هایشان ناگزیر از آن بوده‌اند، از چشم هر عقل سلیمی دست‌کم در کوتاه‌مدت و بدون هرگونه امیدواری به تولید پول و ثروت از طرق دیگر، برگشت‌ناپذیر و وعده طالبان را باورناپذیر می‌نماید. تنها نگرانی طالبان کاهش شدید قیمت تریاک طی ده سال بود که البته به واسطه افزایش حجم تولید، خراج و باج سبیلی که تحت عناوینی مثل عشر و زکات می‌گرفتند، نه تنها کم نمی‌شد، بلکه افزایش هم داشت؛ که این نگرانی هم با حاکمیت کامل‌شان و اتخاذ سیاست یکسان و سراسری، در قدم اول با وعده توقف کشت و دورنمای این حاکمیت سه برابر شده و در گام‌های بعدی با راه‌اندازی مجدد لابراتوارهای تولید هروئین و افزایش مصرف تریاک به این منظور بیشتر هم خواهد شد.

یعنی شما به وعده طالبان و توقف کشت خشخاش خوشبین نیستید؟

دقیقا. چه درآمد جایگزینی برای آنها وجود دارد؟ چه کاری انجام شده که چند صد هزار نفر کشاورز بتوانند تغییر کشت یا تغییر شغل دهند؟ قبل از این هم طالبان متکی به درآمد کشت تریاک و قاچاق آن و هروئین بود و از این طریق کشاورزان و خانواده‌هایشان هم امرار معاش می‌کردند (گرچه مجبور بودند به بهانه‌های مختلف باج پردازند از جمله یک‌دهم محصول بابت برداشت و بعضا باجی جداگانه از فروش سر زمین، بابت همراهی آنها و تامین امنیت تا کارگاه‌های استخراج مرفین یا تولید هروئین و فروش، تکس از کارگاه‌های تولید مرفین و هروئین، همراهی تا مناطق مختلف قاچاق حتی تا نزدیک مرز و فروش و...)؛ از این پس هم همین است. برای مصرف درآمد سرانه قانونی افغانستان چاله‌های بسیاری وجود دارد که امیدی به پر شدنشان نیست. پیش از این در تمام مراحل تولید و برداشت (در تیغ یا بیشتر زدن گرز خشخاش مشارکت می‌کردند) و حمل و نقل (جهت تامین امنیت) و فراوری و قاچاق تریاک و هروئین به اقصای نقاط دنیا حضور موثر داشته‌اند، پس از این هم خواهند داشت؛ با آرامش و امکانات بیشتر. وقتی ده گرم از هروئین افغانستان در اروپا پول یک کیلوگرم آن را باز می‌گرداند (قیمت مبدا ۳ تا ۴ هزار دلار) و ۹۹۰ گرم باقی سود خالص خواهد بود، چرا متوقف کنند؟ حال که راه‌های زمینی و هوایی در کنترل خودشان و بعضی از کشورهای منطقه یار و یاورشان است. ناگهان متحول شده‌اند؟ فراموش نکنیم در ابتدای شکل‌گیری طالبان و بسیاری از گروه‌های مشابه، عمدتا افراد فقیر و بی‌کار و مستاصل از سر ناچاری و به نیت فراهم‌سازی معیشت خانواده به آنها گرویده‌اند، و نه افرادی آزاده و آرمانی و... و بدون بودجه تولید و قاچاق مواد مخدر، هزاران هزار طالب در ولایات مختلف ممکن نیست به جمع کارمندان حقوق‌بگیر دولتی اضافه شوند.

در این صورت چه وضعیتی را برای شورمان پیش‌بینی می‌کنید؟

همیشه با ایجاد استرس در وضعیت بازار مواد مخدر، به سرعت مصرف‌کنندگان آن در کشور ما دچار استرس می‌شوند و بازار قاچاق و فروش آن در کشور آشفته‌گی شدیدی پیدا می‌کند. وضعیت اقلیمی،

ناامنی، بی‌ثباتی سیاسی و بسته‌شدن مرزها همه از مواردی هستند که احتمال دارد هر لحظه در افغانستان منشا اثر شده و بهای تریاک را در آنجا و متعاقباً کشور ما دچار نوسانات کنند و خریدار و مصرف‌کننده با پیگیری این اخبار احتمال می‌دهد که مواد مخدر کمیاب شود.

در آینده‌ای نه‌چندان دور به دلیل ظهور طالبان با احتمال افزایش قاچاق هروئین روبرو خواهیم بود. همچنین قیمت تریاک در ایران بسیار افزایش خواهد یافت. در نتیجه شاهد افزایش شدید و سریع افزودنی‌ها و ناخالصی‌هایی از جمله سرب خواهیم بود. نتیجه‌ی دیگر این که تمایل به سمت بازار شربت تریاک بیشتر خواهد شد. خرده‌فروشان برای تأمین نیاز مشتری‌ها تمایل زیادی به تهیه شربت تریاک پیدا می‌کنند که بتوانند آن را تغلیظ کنند و از آن شیرهای تریاک به دست بیاورند. این می‌تواند منجر به افزایش بازار قاچاق اوپیوم یعنی شربت تریاک در سطح متوسط و کلان بشود. بازار سایر داروهای آگونیست از جمله متادون و بوپرنورفین نیز در شبکه‌ی غیرقانونی رونق پیدا می‌کند و افزایش قیمت خواهد داشت که تبعات خاص خودش را دارد. نتیجه‌ی دیگر، تأثیر کاهش و کمبود تریاک در سایر کشورها بر کشور ماست. وقتی تریاک کم یا گران شود، در کشورهای غرب، شمال غرب، جنوب غرب و جنوب ما هم خواهان بیشتری برای شربت تریاک و جایگزین‌هایش پیدا می‌شود. از طرفی چون کشور ما یک پله به افغانستان نزدیکتر و لذا قیمت‌ها پایینتر است، وقتی سود چندبرابری در میان باشد، چراغی که به خانه رواست، به مسجد حلال می‌شود و از همان تریاک قاچاق‌شده به کشور ما (سهم مصرف‌کنندگان خودمان) و داروهای راه‌یافته به بازار سیاه، به دلیل افزایش حاشیه سود، قاچاق آنها از ایران به آن کشورها بیشتر می‌شود. نوار گسترده‌ای از کشورهای شمال غربی ایران تا جنوب می‌توانند اهداف و خریداران خوبی برای قاچاق تریاک یا شربت تریاک یا داروهای آگونیست از ایران به آنجا باشند. این می‌تواند به کاهش دسترسی نیازمندان داخل کشور به این مواد و داروها، چه در شبکه قانونی آن (مراکز درمان) و چه در شبکه غیرقانونی آن دامن بزند.

درصدی از مصرف‌کننده‌هایی که تهیه و خرید برای‌شان کماکان ممکن است و با هر قیمت و هر کیفیتی مانند قبل به مصرف تریاک ادامه می‌دهند، در معرض عوارض شدت‌یافته ناخالصی‌ها مثل مسمومیت سرب هستند. آنها بالاخره مجبور به تهیه اوپیوم یا شربت تریاک قانونی/غیرقانونی خواهند شد که این موضوع افزایش فروش غیرقانونی این ماده یعنی شربت تریاک در بازار خرده‌فروشی شبکه‌ی غیرقانونی یعنی عمدتاً عطاری‌ها را در پی خواهد داشت. درصدی به درمان‌های دارویی از مسیر قانونی روی می‌آورند که این موضوع با چالش وجود میزان ظرفیت لازم برای پذیرش آنها در سیستم درمانی ما روبرو می‌شود.

درصدی به طور ناخودآگاه و ناخواسته به مصرف هروئین روی می‌آورند. مصرف هروئین هم به احتمال زیاد یا در یک روندی از مصرف تدریجی و مشامی به تزریقی کشیده می‌شود و یا دفعتاً و به یکباره و به سرعت تبدیل به مصرف تزریقی می‌شود. در نتیجه شاهد تبعات دیگری در راستای افزایش مصرف تزریق و عوارض آن در کشور خواهیم بود. گروهی هم در کنار مصرف هر یک از این موارد بالا به مصرف شیشه یا مت‌آمفتامین‌ها روی خواهند آورد که علاوه بر افزایش شیوع چندمصرفی، منجر به افزایش بروز مصرف شیشه خواهد شد. درصدی از جامعه‌ی جوان ما همه ساله مصرف ماده‌ای را تجربه می‌کنند و سپس به مصرف‌کنندگان تقنی و بعد مصرف‌کنندگان همیشگی تبدیل خواهند شد که در صورت نبود تریاک یا گران‌تر بودن تریاک حتماً گزینه‌های دیگر برایشان برجسته می‌شود.

پس پیشبینی می‌کنید که الگوی مصرف مواد مخدر تغییر کند.

بله. با تداوم این روند به نظر می‌رسد بعد از گذشت چند دهه، شاید الگوی مصرف مواد و اعتیاد در کشور ما، به سمت شیوع بیشتر مصرف مواد محرک (در دو دسته کلی کم‌آسیب‌تر و پراسیب) و کاهش نسبت مصرف‌کنندگان تریاک به هروئین حرکت کند که این اتفاق چیزی شبیه به تجربه کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی است. سمبل گروه مواد محرک کم‌آسیب‌تر ماری جوانا و کانابیس‌ها هستند و پیش‌بینی می‌شود که شیوع این مواد افزایش یابد. شیوع کمتر مواد مخدر، در بلندمدت با افزایش و حتی شاید غالب بودن مصرف هروئین همراه خواهد شد. البته این اتفاق، به سبب مرز مشترک و طولانی با کشور افغانستان و واقعیت‌هایی که گفتن را نشاید، شاید بیشتر تخیلی به‌نظر برسد تا تحقیقی.

با وجود همه این احتمالات چه باید کرد؟

ما باید برای این احتمالات آماده باشیم. خیلی مشغول بندهای مختلفی از احتمالات و فرضیه‌هایی که گفتیم نشویم و به زنجیره آخر و انتهای این بازار برسیم که مصرف‌کننده یا فرد آماده به مصرف است. مهم‌ترین کار و وظیفه ما این است که بتوانیم آن زنجیره انتهایی را مصون نگه داریم و به او آگاهی دهیم تا آماده واکنش مناسب باشد. وقتی او مستاصل و تحت استرس تهیه مواد قرار گیرد، به‌طور ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی دست به هر کاری می‌زند تا به هر قیمتی که شده، یا آن ماده را تهیه و به هر کیفیتی که هست، مصرف و یا چیز دیگری را جایگزین آن کند. پس باید بتوانیم اگر فردی آماده به مصرف است و احتمال شروع سوءمصرف را دارد یافته و آگاه و آماده کنیم. اگر فرد آماده به مصرف یا فرد مصرف‌کننده، به نوعی تحت کنترل و هدایت ما باشد، هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. اما چطور؟ رویکرد اول این است که باید برای گروه‌های آماده به مصرف، برنامه‌ای داشته باشیم که رویکرد پیشگیرانه است. این رویکرد پیشگیرانه، بیشتر باید در دو محور پیشگیری‌های انتخابی و پیشگیری‌های موردی باشد. خیلی سریع می‌توانیم با پیشگیری‌های موردی و انتخابی افرادی که احتمال شروع مصرف دارند را از مصرف مواد پرخطرتری ناشی از گران شدن تریاک، مصون بداریم. اگر دهه‌های قبل تریاک، دم دست‌تر و ارزان‌تر بود، الان ممکن است در اثر گران‌بودن و در دسترس نبودن، درصدی از این افراد با شیشه و درصدی با هروئین شروع کنند که این اتفاق، هزینه‌های سنگین‌تری برای جامعه خواهد داشت. باید برای گروه‌های پرخطر مانند نوجوانانی که درس را رها می‌کنند و ضعف و افت درسی آنها کاملاً بارز و گاه سابق بزهکاری دارند برنامه ریزی شود. مهم‌تر از این مورد، پیشگیری موردی در مورد نوجوان‌هایی است که قبل از سن سربازی یا حین سربازی سیگار می‌کشند و به‌طور تقنی مصرف الکل و حتی مواد داشته‌اند. اینها گزینه‌های بسیار مهمی هستند که براساس استراتژی‌های علمی باید برایشان مداخلات پیشگیرانه اجرا شود. رویکرد دوم در مورد افرادی است که الان مصرف‌کننده دائمی و هرروزه مواد هستند. اینها بیشتر می‌توانند حوزه و بازار فعلی مواد و اعتیاد را، دستخوش تغییرات کنند. باید به آنها که به‌هرحال از مواد از مبادی مختلف در دسترسشان است، توضیح و آمادگی دهیم که چه اتفاقاتی رخ خواهد داد تا غافلگیر نشوند. باید سعی کنیم حتی الامکان، خیلی عامیانه و خیلی نزدیک، در سطح خود فرد، این پیام را منتقل کنیم. پیام‌هایی که خیلی علمی یا از سطح بالا یا خیلی اداری و رسمی گفته شود، شنونده‌ای ندارد. شنیدن این پیام‌ها برای مخاطب، غیرجذاب و خارج از حوصله است. باید به زبان خودشان و با ادبیات خودشان صحبت کرد، با روش‌های ابداعی و ابتکاری و جذاب. برای همه گروه‌هایی که ممکن است در زندان در دسترس باشند، یا از طریق مکانیسم‌هایی که شهرداری‌ها دارند یا کسانی که جذب مراکز اجباری در ماده ۱۶ می‌شوند یا کسانی که در گرمخانه‌ها، در شلترها و در کمپ‌ها در دسترس هستند و یا به مراکز درمان سرپایی مراجعه می‌کنند و به‌هرطریق که هست، به زبان خودشان این توضیحات داده شود. باید به آنها گفت که مثلاً ممکن است با ادامه حکومت طالبان، مواد مصرفی شما تریاک، به شدت گران شود. مبادا بخواهید به مصرف تریاک به هر زحمتی ادامه دهید و "یک تیغ

تریاک آشغال و اندازه دم موش "را ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان بخريد. مبدا به قول خودتان "تو هر زمین و شرایط هوایی تل بزنی. "مبدا "تو آچمز خماری دوا بکشید. "مبدا بخواهید "روی زرورق دوا قل بدید بالا-پایین و سرسره بازی "کنید و یکدفعه چشم باز کنید ببینید "خودتان را روی زر ورق قل داده‌اند و آتش‌خور شدید. "مبدا "خودتان را مثل کاغذ پاکت سیگار بیچین "و لول و تجزیه کنند مثل درآوردن فویل زرورق. مبدا "در پایپ بیفتید"، مبدا شما را "در پایپ بیاندازند که بخواهند خماری مثبت را از شما بگیرند. "مبدا "تو نخ این تسبیح بیفتید. "به آنها بگوییم که مصرف شیشه و پایپ، به هیچ وجه تاثیری روی علائم مثبت (منظور علایم خماری مواد مخدر است) و مصرف نکردن مواد مخدر مانند تریاک و هروئین ندارد. به‌هرحال اینها اصطلاحات و مثال‌هایی بود که باید حسب مکان و مورد و فرد، طوری به آنها بگوییم که هم برای آنها خوشایندتر و قابل فهم‌تر است، هم بهتر در ذهن‌شان می‌ماند تا یک بزرگ یا پیام تبلیغاتی تلویزیونی خیلی رسمی و سنگین.

به گروه دیگر معنادان که لزوماً معتاد متجاهر نیستند باید چطور آموزش داد؟

قبلتر اشاره کردم یک بخشی از این افراد (مصرف‌کننده‌ها) در دسترس ما نیستند و اتفاقاً اینها گروه مهمی هستند و بیشترین آسیب را ممکن است ببینند، چون اعتیادشان را علنی نکرده‌اند و برای پنهان نگاه داشتن آن، احتمال دارد که به مراکز و مشاوران مراجعه نکنند و دانسته یا نادانسته حاضرند بهای زیادی برای پنهان و مخفی نگه داشتن اعتیادشان بپردازند. در واقع گروه معنادان اصطلاحاً یقه سفید و مرتب که اعتیادشان در محل کار و جامعه کمتر تشخیص داده می‌شود. برای این گروه‌ها مثلاً در ادارات و کارخانه‌ها یا سراهای محله کارگاه‌های دانش‌افزایی اجتماعی یا ذیل دوره‌های آموزش ضمن خدمت، دوره‌های دانش‌افزایی آسیبهای اجتماعی پیش رو به زبان بچه محلی می‌توان برگزار کرد (یعنی بدون آنکه شناسایی شوند و به رویشان آورده شود، در قالب برنامه‌های عمومی به گوششان رسانده شود). همچنین تولید محتواهای سوشیال مدیا در همین قالب‌های عامیانه یکی دیگر از همین راه‌هاست.

در نهایت به همه این گروه‌ها تاکید کنیم که اگر چنین شرایطی پیش آمد حتماً مراجعه کنید و بلافاصله جذب درمان شوید و مصرف داروها یا شربت تریاک را به مقداری قانونی و علمی از مسیر درست، تحت نظر پزشک شروع کنید. یا اگر هنوز آمادگی این کار را ندارند، حتی اگر شده فقط جهت هم‌صحبتی و یک مشورت مختصر پیش از هر اقدامی مراجعه کنند تا بتوانیم توصیه‌های لازم را بکنیم و راه و چاه را به آنها نشان دهیم که در صورت لزوم از برنامه‌های سرنگ و سوزن و کاندوم استفاده کنند تا مصرف بدون خطری داشته باشند. علی‌رغم بسیاری از مخالفت‌هایی که تابه‌حال وجود داشت شاید در آن صورت لازم باشد که به‌طور جدی به اتاق امن تزریق فکر کنیم. در صورت احتمال افزایش میزان تزریق و مصرف تزریقی مواد، این گزینه‌ای است که ممکن است ناگزیر از آن شویم. در یک کلام، باید دستور آماده‌باش دهیم و خود را تجهیز و تقویت کنیم تا بتوانیم سونامی خطرناک ناشی از ظهور دوباره طالبان را مهار کنیم.